

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

استاد محمد نسیم "اسیر"

22 نومبر 2011

جهان نامردی!!!

درین یکی دو هفته اخیر، در صفحات وزین پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" هر روز مطالبی در باره شبنامه و کسانی که به این کار مذموم مبادرت ورزیده اند، مطالبی از طرف دوستان به نشر میرسد. از انزجار و نفرتی که ازین عمل قبیح بدوستان دست داده است استنباط میشود، نامردی که شاید روزی داد دوستی و همنوائی میزد، امروز با قباحث سر از گریبان دشمنی و نامردی برون کرده و بر صادقترین فرزند وطن، با ننگین ترین شیوه تهمت می بندد. مطالعه این درد دلها مرا به یاد شعری می اندازد که خود پنجاه و شش سال پیش با روبرو شدن با چنین شیوه نامردانه در گردیز سروده ام و امروز با ارتباط موضوع خدمت دوستداران شعر تقدیم میکنم:

بسا کسا که به شانش، نشان نامردیست
پلان اگر شده برپا، پلان نامردیست
که دور، دور مخنث، زمان نامردیست
به این طریق، روان کاروان نامردیست
که این متاع، فقط در دکان نامردیست
که راحت دو جهانی به جان نامردیست
خوش آنکه ریزه نانش ز خوان نامردیست
که همچو ذره سوی آسمان نامردیست
چه عیب اگر به زبانم بیان نامردیست
که دوست بر سر ما در گمان نامردیست

جهان، جهان دنی و جهان نامردیست
اساس، اساس تملق بود درین عالم
زمانه همره مردان به جنگ و کین باشد
به مردی ره نتوان برد در ره مقصود
سرور می طلبی، دست برکش از مردی
"جوی ز مردی خود کم نما" و عشرت کن
سبک کسی که به مردی نشست بر مسند
چو برق از سر راه کسی گریزان باش
درین زمانه که نامردی استوار بود
چه بار غم که به مردی کشیدم اما حیف

«اسیر» ما شده پامال جهل نامردان ولیک ... چتاق کان نامردیست
«اسیر» خلق خدا می شناسدت، خاموش
چه غم که همسفرت رهروان نامردیست

(م. نسیم «اسیر» - گردیز، 17 جوزای 1334 ش)